یـــادداشـــت

خدمتی به مذاکرات وین

مهدی مطهرنیا
آینده پژوه سیاسی و اجتماعی

تفاهم یک ماهه بین جمهوری اسلامی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را می‌توان خدمتی به مذاکرات وین برای رسیدن به یک مصالحه موقت ارزیابی کرد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با تمدید تفاهم با ایران تا تاریخ ۲۴ ژوئن یعنی سوم تیرماه نشان داده که تا زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران به دنبال رسیدن به نتیجه‌ای ملموس در مذاکرات وین است. ایالات متحده آمریکا به رهبری بایدن بر مبنای نظریه نئورئالیسم تدافعی خواستار ایجاد توازن قدرت در منطقه خاورمیانه و قدرت‌های آن یعنی ایران، ترکیه، عربستان و اسرائیل است. تلاش دولت آمریکا در ارتباط با تهران با موانع جدی روبه‌رو است؛ از یک طرف تحریم‌های شدید دولت دونالد ترامپ علیه ایران به گونه‌ای اعمال شده که لغو آنها در مدت زمان کوتاه به سهولت انجام‌پذیر نیست. از طرف دیگر در آمریکا و کنگره این کشور به‌رغم اختلافات بین دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات، درخصوص رویکرد نسبت به ایران نوعی تفاهم وجود دارد که از همین‌رو دولت جو بایدن به راحتی نمی‌تواند در برابر ایران عقب‌نشینی کند. با گذشت سریع زمان و نزدیک شدن به برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای در ایالات متحده آمریکا فشارها بر دولت بایدن نیز افزایش می‌یابد. دولت او نیز به خوبی به این مساله واقف است که در ایران، قوه مجریه یعنی رئیس‌جمهور و تیم دیپلماتیک او در وزارت امور خارجه تصمیم‌گیرنده اصلی نیست. لذا بر اساس تجارب موجود بر آن است از فرصت به‌دست آمده در جهت ایجاد فضای فشار بر ایران به منظور همگرایی اتحادیه اروپا با ایالات متحده آمریکا بهره ببرد. در همین حال پنجمین دور از مذاکرات وین نیز بین دولت ایران و دیگر طرف‌های برجام انجام شده است؛ دولتی میانه‌رو که معتقد به اصل مذاکره با آمریکا برای حل‌وفصل مسائل هسته‌ای است و اگر این گفت‌وگوها به سرانجامی نرسد، ممکن است همگرایی اتحادیه اروپا و حتی کشورهای روسیه و چین نیز با ایالات متحده آمریکا در فشار آوردن به ایران افزایش یابد. از همین رو تمدید تفاهم یک ماهه بین جمهوری اسلامی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خدمت مذاکرات وین قرار می‌گیرد که می‌توان آن را در راستای رسیدن به یک مصالحه موقت ارزیابی کرد؛ موضوعی که با قرائت‌های متفاوتی نیز روبه‌رو است: یک قرائت حاکی از لغو همه تحریم‌ها علیه ایران است و قرائتی دیگر می‌گوید تحریم‌ها روی کاغذ برای مدت معینی تعلیق خواهد شد. چنین مسائلی تا حدود زیادی موجب خواهد شد در تهران نیز نوع برخورد با مذاکرات وین متفاوت باشد. مجلس نوانقلابی حاکم که تاکید کرده است ایران از پروتکل الحاقی یا بالطبع از برجام خارج شود، تمدید مذاکرات ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را دور زدن مصوبه مجلس در الزام دولت از خروج پروتکل الحاقی می‌داند. این در حالی است که رهبری نظام جمهوری اسلامی با تغییر پارادایم «نه جنگ، نه مذاکره» به مذاکرات فوری و غیرفرسایشی برای لغو تمامی تحریم‌ها، زمینه را برای برگزاری مذاکرات وین آماده کرده است. در بررسی نتایج مذاکرات وین به نظر نمی‌رسد آمریکایی‌ها حاضر به لغو تمامی تحریم‌ها باشند و با دستان باز و بخشنده با تهران روبه‌رو شوند؛ لذا برای ارزیابی دقیق‌تر باید منتظر نتایج نهایی این گفت‌وگوها باشیم.

دیدگـــــاه

ایران خاموش؛ بهشت مزارع بیت‌کوین

ادامه از صفحه یک/ این آمار و دخالت برخی از شرکت‌های چینی در این رابطه سبب شده ایران اکنون به بهشت استخراج بیت‌کوین و سایر ارزهای دیجیتال بدل شود. مدتی است که کشورهای خارجی در مزارع ارز دیجیتال ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند، علت اصلی این سرمایه‌گذاری‌ها به قیمت پایین انرژی در ایران و کاهش شدید ارزش پول ملی برمی‌گردد. در حالی کشورهای اروپایی و آسیایی به سرمایه‌گذاری در بخش ارزهای دیجیتال به ایران ورود پیدا کرده‌اند که عمده مزرعه‌های رمزارز مجهز و پیشرفته و بزرگی که در ایران فعالیت می‌کنند متعلق به افراد خارجی است. در همین حال کارفرمایان و مالکان کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط در ایران پس از یک دوره گرانی مواد اولیه و گرانی و تورم در تولید کالاها و محصولات و افزایش دستمزد ورشکست شده‌اند و نسبت به تغییر کاربری زمین‌ها و املاک خود به مزارع استخراج ارزهای الکترونیک اقدام کرده‌اند و امروز به مزرعه‌داران رمز ارز در کشور بدل شده‌اند. برخی متصدیان و مدیران این ماینرها به اسلحه هم متوسل شده‌اند و بازرسان وزارت نیرو و سایر نهادهای نظارتی دولتی را از مزارع خود بیرون کرده‌اند. وقتی آمار دقیق مزارع رمزارز مجاز و غیرمجاز و میزان مصرف برق آنها اعلام می شود، به نظر می‌رسد دولت توانایی برچیدن کامل آنها را ندارد. مصرف برق در کشور بیشتر متوجه مزارع ارز دیجیتال است و تداوم این وضعیت نگران‌کننده است. به‌رغم انتشار برخی اخبار درخصوص تعدیل خاموشی‌ها در ایران، خاموشی‌ها نمی‌تواند ادامه نداشته باشد. هفته‌های آینده همزمان با ورود به فصل گرم سال، قطعی‌ها از سر گرفته خواهد شد و دامنه آن نیز در فصل تابستان گسترده‌تر خواهد شد. خاموشی‌ها یکی از اتفاقات ناگوار تابستان امسال است وعلاوه برخاموشی‌ها جیره‌بندی آب در حداقل ۲۵۰ نقطه شهری کشور اتفاق خواهد افتاد. در پایان باید بر این مساله صحه گذاشت که مدیریت دولتی در ایران حداقل درعرصه‌های محیط زیست و منابع طبیعی با شکست و بن بست مواجه شده است. محیط زیست و منابع آب کشور گرفتار حلقه بسته مدیرانی شده است که پست‌ها و مشاغل حساس را در انحصار خود قرار داده‌اند و عرصه‌های طبیعی کشور را قربانی تصمیمات سیاسی و ملاحظات اقتصاد سیاسی کرده‌اند. سایه سیاست بر مدیریت منابع آب کشور سنگینی می‌کند و وضعیت فعلی نمی‌تواند قابل دوام باشد. دردسرهای خاموشی پی‌درپی برای واحدهای صنفی و صنایع و فراگیری بی برقی در کشور این پرسش را در اذهان عمومی ایجاد کرده است که چه زمانی قرار است تیر خلاصی بر پیکر فعالیت های سوداگرانه در بخش محیط زیست و منابع آبی کشور وارد شود؟

همتی، سوپر من نیست!

ادامه از صفحه اول/ میدان را خالی نمی‌کرد و در میان همین کاندیداهای موجود ضمن نفی «سوپرمن‌ها»و «ابرقهرمان‌ها»به دنبال کاندیدایی برای معرفی به مردم می‌گشت که «سوپرمن» نباشد تا بتواند فراتر از آرمان‌گرایی محض و شعارهای پوچ و بی‌حاصل، دولتی اقتصاد محور را بر پایه واقع‌گرایی و «فن‌سالاری»-حتی به صورت حداقلی -ایجاد کند تا دوباره «مردم» و نظام اسلامی به دوران فاجعه‌باری شبیه احمدی‌نژاد برنگردند. عبدالناصر همتی تا به امروز نشان داده هر چه باشد، یک «سوپرمن» نیست و با وجود نسبت ناعادلانه کاندیداهای شعاری موجود در صحنه انتخابات ریاست‌جمهوری با خودش، می‌تواند نماینده نسبتا خوبی برای واقع‌گرایی و فن‌سالاری در صحنه تبلیغات انتخاباتی باشد. آیت‌ا... هاشمی به ما آموخت که «سوپرمن‌های سیاسی» هر چند صدایشان بلند است ولی عمرشان کوتاه و تاثیرشان کم است، ولی «اعتدال و سازندگی» همیشه نزد مردم ایران خریدار دارد. برای عبدالناصر همتی که هرگز منادی «سوپرمنیسم»نبوده، امروز بزرگترین فرصت عمرش به‌وجود آمده تا پا جای پای بزرگانی نظیر آیت‌ا... هاشمی بگذارد و مقابل «سوپرمن‌های» انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ بایستد. امید که سربلند بیرون بیاید.

سیدمحمد غرضی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

وعده دادن سبب خوش‌نامی نمی‌شود

- دولت بعدی حقوق خاصه را بر عامه مردم ترجیح ندهد
- یارانه ۴۵۰ هزار تومانی منجر به تورم می‌شود
- روسای جمهور پیشین با وعده‌دادن به خوشنامی نرسیدند
- مردم نان را با پول یارانه می‌خرند
- جامعه به چپ و راست پشت کرده است

آرمان ملی- محمد رحمانی: تاریخ پر از حوادث تکراری است، که نو به نو در جوامع مختلف بارها و بارها رقم می‌خورد و نه برای فعالان عرصه سیاست و نه برای مردم تبدیل به درس نمی‌شود؛ به ویژه برای جامعه ما که از حافظه تاریخی ضعیفی بهره می‌برد، اساسا بیشتر وعده‌های انتخاباتی نه‌تنها تحقق نمی‌یابند؛ بلکه بیشتر عاملی برای کسب رای کاندیداها هستند و پس از رسیدن به این مهم به دست فراموشی سپرده می‌شوند. از همین رو است که بسیاری بر این باورند که نباید به وعده‌های کاندیداها در جریان رقابت‌های انتخاباتی چندان چشم امیدی دوخت؛ چراکه آنها به واسطه شرایط موجود و برای به سلامت گذشتن از این آوردگاه و پیروزی احتمالی این شعارها را می‌دهند، در حالی که در حالت عادی و با در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود در کشور بسیاری از این وعده‌ها جنبه محال و نشدنی دارند و صرفا در بیان و سخن مطرح می‌شوند. البته تعجبی ندارد در شرایطی که مساله اول کشور و ملت، اقتصاد و معیشت است کاندیداهای انتخابات نیز برای کسب اقبال عمومی بیشتر به‌جای طرح واقعیات، وعده‌های دل‌خوش کن و مردم‌پسند بدهند تا شاید رای بیشتری به سبد آرای خود بیفزایند. در این راستا برای بررسی وعده‌های کاندیداهای انتخابات، شرایط حاکم بر انتخابات و مشارکت مردم «آرمان ملی» با سیدمحمد غرضی، وزیر دولت‌های دفاع‌مقدس و سازندگی و نامزد انتخابات پیشین ریاست‌جمهوری به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

فکر می‌کنید کدام کاندیدا تا پایان رقابت باقی می‌مانند؟

اینکه می‌بینید عده‌ای آمده‌اند و مسئولیت این کار را به عهده گرفته‌اند از استعداد اجتماعی جامعه سیاسی ماست. تعداد ۷ نفر در نهایت به تایید شورای نگهبان رسیده‌اند که برایشان از خدا طلب توفیق در خدمت به ملت ایران را دارم. به عقیده من ۵ نفر از این افراد می‌مانند که دو نفر از آنها یا به نفع شخص دیگری کنار می‌کشند یا خود احساس می‌کنند موفق نخواهند شد و انصراف می‌دهند، البته من به این دلیل که حقی از مخاطب به گردن من می‌افتد که به لحاظ شرعی و اجتماعی صحیح نیست، برای همین نامی از این افراد نمی‌برم.

اساسا با چه استدلالی می‌توان ردصلاحیت افرادی مثل آقایان لاریجانی و جهانگیری را توجیه کرد؟

تا آنجایی که می‌دانم و بر اساس آنچه در رسانه‌ها مفصل به آن اشاره شده است، این افراد مسئول برخی از دلایل وضعیت موجود و مسائلی که از مقطع زمانی سال ۸۴ تا امروز سبب شده مملکت دچار مشکلات غیرقابل حلی شود، بوده‌اند و همین بار مسئولیتی که بر گردن آنها بوده است ابزاری شده در دست شورای نگهبان تا ردصلاحیت شوند.

برخی معتقدند با روی کار آمدن یک دولت همسو با سایـــر ارکـــان نظام مشکلات کشور در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و ... به سهولت حل خواهد شد و دیگر شاهد برخی کارشکنی‌هایی که در دولت آقای روحانی بوده‌ایم نخواهیم بود. چه میزان با این سخن موافقید؟

امیدوارم چنین پیش‌بینی‌ای درست از آب درآید و تحصیلکردگان بیکار، فقرا و سایر قشرهای آسیب‌پذیر جامعه آب سرد گوارایی به گلوی‌شان ریخته شود. آنچه من شنیده‌ام این است که ممکن است دولت بعد مبالغ هنگفتی دلار و ارز در جامعه تزریق کند. من تنها به عنوان کسی که از دهه ۳۰ به بعد مستقیما شاهد چنین اتفاقاتی بوده‌ام بیشتر دیده‌ام که با اینگونه کارها تورم را گسترش داده‌اند. مثل زمان دولت زاهدی که وقتی آمد دلار ۲۰ ریالی را ۳۵ ریال کرد، یا دولت آقای منصور که دلار ۳۵ ریالی را ۶۷ ریال کرد. پس از آن در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ دولت‌هایی که می‌آمدند درآمدهای ارزی بسیار خوبی داشتند ولی بیشتر وقت‌ها این درآمدها را به جامعه تزریق می‌کردند که در دهه ۵۰ آن دولت‌ها مخصوصا حزب ایران نوین و حزب مردم کل تاج و تخت را از دست دادند. در دهه ۶۰ که من وزیر نفت بودم پیش‌بینی این بود که سالیانه ۱۸ تا ۲۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشته باشیم؛ ولی به‌خواست خدا ظرف آن ۴ سال نزدیک ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی برای کشور کسب کردیم ولی باز به همان روال گذشته شاهد تزریق مستقیم آن به جامعه بودیم که به تبع آن به یک‌باره دلار ۳۰ تومانی به قیمت ۷۰ تومان رسید. در دوره بعدی هم که من دیگر وزیر نبودم، ۲۰ میلیارد دلار از محل نفت برای دولت درآمد حاصل شد که دولت وقت مجبور شد برای جبران کسری از ریال استفاده کند و دلار ۷۰ تومانی به ۱۵۰ تومان رسید و این روند در دوره‌های بعدی بسیار شدیدتر از آنچه گفتم شد. فقط به کاندیداهایی که فکر می‌کنند با تزریق ریال و دلار به جامعه می‌توانند رضایت فقرا، بیکاران و متخصصان را به دست بیاوند توصیه می‌کنم که حاصل آن چیزی جز تورم نخواهد بود.

کاندیداها در جـــریـــان مـــناظرات بهتر است به چه چیزهایی اشاره کنند؟

باید به حقوق عامه اشاره کنند و در مقابل حقوق خاصه که بیشترین ثروت را در دولت و مجلس و جامعه برای خود کسب کرده، بایستند. امیدوارم چنین اتفاقی بیفتد اما بر اساس اطلاعات و اخباری که به من می‌رسد بیشتر سخن کاندیداها این شده است که ما پول را به جامعه بی‌پول می‌دهیم. مثلا افزایش یارانه‌های نقدی را در نظر دارند تا تورم را کنترل کنند، که همانطور که گفتم در اینکه چنین کارهایی موثر باشد، شک دارم.

هـــمه کـــاندیداها وعده‌های محال اقتصادی می‌دهند. با توجه به سابقه وعده‌های انتخاباتی پیش از این توسط روسای جمهور، چقدر این وعده‌ها بر مبنای واقعیت و در راستای ظرفیت‌های کشور است؟

تعداد زیادی نخست‌وزیر پیش از انقلاب و این همه رئیس‌جمهور پس از انقلاب هیچ‌یک با وعده‌هایی که داده‌اند موفق به رسیدن به خوشنامی نشده‌اند و دولت‌هایشان گرفتار این مسائل شده‌اند. اگر دولت‌های بعدی هم از همین روش‌ها استفاده کنند بدون‌شک گرفتار می‌شوند. مثلا آن کاندیدایی که وعده یارانه ۴۵۰ هزار تومانی به مردم می‌دهد، تصورش به اثرگذاری آن در رفع مشکلات مادی جامعه است ولی همانطور که گفتم بی‌اثر است و در صورت تحقق نیز تنها منجر به تورم بیشتر می‌شود. در صورتی که ممکن است دولت بعدی بتواند، آزادی اقتصاد در بخش خصوصی را جایگزین رانت‌خواری کند، اگر به نزدیکان خود برسند و به یکی دلار با نرخ دولتی بدهند و به دیگری تخفیف بدهند و اگر به مدعیانی که امروز در ستادها دورشان جمع می‌شوند امتیازهای ویژه بدهند نتیجه عکس خواهد داد و تورم تک‌رقمی که امروز به عنوان وعده‌های انتخاباتی از زبان‌شان خارج می‌شود به یک رویا تبدیل می‌شود. اگر کاندیداهای محترم حقوق عامه را بر حقوق خاصه ترجیح دهند، مردم به حضور در انتخابات تشویق می‌شوند. تاکید می‌کنم که رسانه‌ها از صداوسیما، روزنامه‌ها، رسانه‌های مکتوب و شنیداری، چه داخلی و چه خارجی از زندگی مردم فاصله گرفته‌اند لذا هرکس به این اخبار توجه می‌کند به شکل حمله به حقوق عامه تلقی می‌شود. صداوسیما که خیلی وقت است از زندگی مردم فاصله گرفته است. برای همین مردم وعده‌های انتخاباتی را گوش می‌کنند ولی حواس‌شان جمع روزمرگی‌های خود و مشکلات معیشت‌شان است. این موارد همه ابزار تبلیغاتی هستند که بیشتر مردم از حدود دهه ۷۰ به بعد تجربه دارند و توجه چندانی به آن نمی‌کنند.

با توجه به احتمال مشارکت پایین در انتخابات و منتخب بعدی با چه چالش‌هایی روبه‌رو خواهد بود؟

امیدوارم کاندیداها در مناظرات بتوانند حقوق عامه را بر حقوق خاصه ترجیح دهند تا جمعیت کثیری را پای صندوق‌ها بیاورند. اگر چنین چیزی نباشد و مشارکت در سطح پایین رخ دهد رانت‌خوارها دور رئیس‌جمهور بعدی را می‌گیرند، مدعی وی می‌شوند و مثل دولت‌های دو دوره گذشته، افرادی که امروز در ستادهای تبلیغاتی حضور دارند با مطالبه‌گری خود از رئیس‌جمهور بعدی مسائل غیرقابل‌حلی را برای وی پیش می‌آورند زیرا یک‌طرف مردم قرار می‌گیرند و طرف دیگر رانت‌خوارها.

تحلیل شما از شرایط جامعه پس از ردصلاحیت‌ها چیست؟

مردم عکس‌العمل خاصی نشان نخواهند داد. همانطور که در مورد مجلس هم به همین ترتیب عمل کرده و تعداد کمی در انتخابات شرکت کردند. متاسفانه مردم گرفتار مسائل معیشتی و روزمره خود هستند و رسانه‌ها فکر می‌کنند عامه مردم به مسائل طرح شده از سوی آنان مثلا در همین حوزه ردصلاحیت‌ها توجه ویژه نشان می‌دهند و دائما در حال دنبال کردن آن هستند، در صورتی که این‌گونه نیست. باید بگویم حقیقت جامعه این است که بخش عظیمی از مردم نان را با پول یارانه می‌خرند و تازه عده‌ای هم به نانوا بدهکار می‌شوند، بنابراین از این مردمی که گرفتار مسائل روزمره هستند توقع نمی‌رود پیگیر مسائلی همچون ردصلاحیت‌ها باشند. مردم بیشتر با مشکلات خود درگیرند؛ پس در این وضع نه پیگیر انتخابات می‌شوند نه حضور حداکثری برایشان معنا پیدا می‌کند.

با توجه به شرایط فعلی اقتصادی و تاثیر تحریم‌ها، رئیس‌جمهور بعدی فارغ از اینکه چه شخصیتی باشد؛ با چه مشکلاتی روبه‌رو خواهد بود؟

در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ یعنی تا سال ۷۶ متوسط درآمد دولت سالیانه ۱۰ میلیارد دلار بوده است. همین درآمد بین سال‌های ۷۶ تا ۸۴ حدود ۲۰ میلیارد دلار شد و از سال ۸۴ تا امروز رقمی نزدیک به ۷۵ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که خرج کشور حدود ۳۰ یا ۴۰ میلیارد دلار بیشتر نیست؛ پس برای تثبیت قیمت‌های اقلام روزمره و ضروری مردم دولت‌ها درآمد کافی دارند که متاسفانه همه آن به صورت رانت‌خواری از بین می‌رود. من به شما می‌گویم که کشورداری در ایران با این ثروت عظیم خیلی مشکل نیست و به مسائل متعدد داخلی و خارجی و اینگونه موارد بستگی ندارد و خود استعداد کشور هزینه‌هایش را تامین می‌کند. اگر خدای نکرده دولت بعدی هم حقوق خاصه را بر حقوق عامه ترجیح دهد و دست رانت‌خواران را باز بگذارد، دچار گرفتاری‌هایی مشابه دولت‌های قبلی خود می‌شود. امیدوارم رئیس‌جمهور بعدی توانایی این را داشته باشد که به قاعده و کف جامعه نگاه کند.

کشور مـــا همواره به مشارکت حداکثری مردم در صحنه‌های گوناگون افتخار کرده و در سطوح بین‌المللی از آن به عنوان یک امتیاز یاد کرده است؛ اما در انتخابات پیش‌رو برخی از چهره‌های سیاسی و کارشناسان از مشارکت پایین مردم استقبال کرده‌اند چنین رویکردی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

زمانی که در سال ۵۷ امام (ره) به وطن بازگشت حدود ۶ میلیون نفر به استقبال ایشان رفتند که آن زمان کشور ۳۶ میلیون جمعیت داشت که می‌شود یک‌ششم کل جمعیت کشور. در سال ۶۸ که امام(ره) ملکوتی شدند ۹ میلیون نفر ایشان را مشایعت کردند. در آن زمان جمعیت کشور چیزی نزدیک به ۴۵ میلیون نفر بود که می‌شود یک‌پنجم جمعیت کل کشور. سال گذشته که حاج قاسم سلیمانی به درجه شهادت نائل شدند ۲۵ میلیون نفر برای تشییع جنازه ایشان آمدند. کشور ۸۰ میلیون جمعیت داشت که می‌شود یک‌سوم کل جمعیت ایران؛ یعنی مردم از انقلاب و اهداف کشور حسابی حمایت کرده‌اند ولی اکنون گروه‌های چپ و راست و مستقل و... برای جمع کردن ۲۵ میلیون رای دچار مشکل هستند. نتیجه اینکه جامعه به انقلاب و اهداف آن پایبند است ولی به گروه‌های چپ و راست و ... پشت کرده‌اند.

نقش مردم چقدر در مسیر انتخابات اهمیت دارد؟

من نیز از زبان برخی گروه‌ها و شخصیت ها شنیده‌ام که عدم حضور مردم در صحنه‌هایی مانند انتخابات خیلی هم اهمیتی ندارد؛ بلکه ممکن است به نفع آنها هم باشد. به عقیده من این نظر آن دسته از گروه‌ها، دسته‌ها و شخصیت‌هایی از جامعه سیاسی کشور است که با انقلاب فاصله دارند.

شورای نگهبان بر اساس مصوبه‌ای که داشتند خیلی از افراد همچون شما از انتخابات کنارگیری کرده‌اید. این رویکرد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من از سال ۵۸ به بعد با اعضای شورای نگهبان همواره در تماس بوده‌ام و از همه فقها و حقوقدان‌ها شناخت دارم، اما در دهه اخیر این بحث که معیارهای شورای نگهبان تطبیقی با اهداف شورای نگهبان ندارد، مطرح است که من به شخصه برایشان این مطلب را توضیح و شرح داده‌ام. به خاطر می‌آورم وقتی موضوع رجل سیاسی در خبرگان مطرح می‌شد من خدمت مرحوم شهید بهشتی توضیح دادم که رجل سیاسی یعنی کسی که خودش دارای عقبه سیاسی- اجتماعی باشد و کسانی که در پی خرید این عقبه سیاسی- اجتماعی باشند نمی‌توانند به رجل سیاسی تبدیل شوند یا به قول سعدی که می‌گوید؛ کس نتواند گرفت دامن دولت به زور/ کوشش بیفایده است وسمه بر ابروی کور.

جانشین نماینده ولی‌فقیه در سپاه:

کشور وارد یک تغییر و خانه تکانی می‌شود

جانشین نماینده ولی‌فقیه در سپاه گفت: امـــروز کشـــور واردصحنه یـــک تغییـــر و خانه‌تکانی می‌شود و انتخابات ۲۸ خرداد یک انتخابات سرنوشت‌ساز در کشوراست، همانطور که یک تغییر در دفاع مقدس و عزل یک عنصر نامطلوب و قرارگیری فرماندهان جوان ارتش و ســـپاه در رأس مدیریت جنگ عامل مهم پیروزی های بعد از بنی‌صدر بود، این انتخابات هم میتواند عامل تداوم پیروزیهای انقلاب و کشور باشد. حجت الاسلام والمسلمین حســـین طیبی فر در گردهمایی تجلیل از ســـربازان ســـتاد نمایندگی، ولی فقیه در سپاه که به مناســـبت سالروز حماسه ســـوم خرداد در تالار همایش‌های شـــهید محلاتی نمایندگی ولی فقیه در سپاه برگزار شد، با اشـــاره به اینکه دفاع مقدس و حماســـه آزادی سازی خرمشهر بعد از چهل سال دیگر بـــه عنوان یک تاریخ معاصر مطرح اســـت و باید این تاریخ سراسر حماسه دفاع مقدس به نسل جوان کـــه درک و حضوری عینی از آن نداشـــته به درستی منتقل شود، اظهار داشت: بعد از پیروزی انقلاب ما با توطئه‌های براندازی‌های سهمگین در همان سال‌های ابتدایی انقلاب مواجه شدیم و پیش از پیروزی انقلاب هم همه تالش‌های رژیم طاغوت و همه حامیان آن‌ها هم در راســـتای پیروزی نرسیدن این انقلاب بود. صبح صادق نوشت: وی ادامه داد: ما در ســـال‌های ابتدایی انقلاب بـــا چند کودتا روبه رو شـــدیم، ســـپس جنگ به ما تحمیل شـــد؛ در حالی که وضعیت کشـــور بعد از انقـــاب خیلی به هم ریخته بـــود، ارتش نامنظم و ازهم گسیخته شـــده بود، کمیته‌های انقلاب و سپاه نیز آماده دفاع نظامی نبودند و بسیاری از فرماندهان ارتش به علت ایســـتادن جلوی مردم تســـویه شده بودند یـــا گریخته بودنـــد و در این شـــرایط جنگ شروع شد. حجت الاسلام طیبی فر ادامه داد: عمق فاجعه در سال ابتدایی جنگ بود که بنی‌صدر به عنوان یک عنصر نفوذی و خائن به ریاســـت جمهوری رسیده بود و با یکسری بازی با الفاظ مانع تجهیز نیروهای مردمی، ســـپاه و سایرین می شد و توجیه می‌کرد که آن‌ها جنگ بلد نیستند و تجهیزات را از بین میبرند. از طرفی هم در صحنـــه جنگ با خیانت می‌گفت زمین می‌دهیم زمان می‌خریم و جالب اینکه بعد از عزل بنی‌صدر پیروزی‌های ما شروع شد.

فـــرارو

مهدی ذاکریان مطرح کرد

گروه‌های رادیکال در قدرت مساله‌های پیچیده را به‌راحتی حل می‌کنند

یک تحلیلگر بین‌الملل درخصوص رویکرد دولت آینده و تاثیر آن در نتیجه نوع تعامل ایران با نظام بین‌الملل گفت: مدیریت سیاست خارجی ایران در سطح کلان اتخاذ می‌شود و به همین دلیل با تغییر دولت، سیاست کلی خارجی، امنیت ملی یا برنامه‌ریزی‌های کلان هیچ تغییر و تحولی پیدا نخواهد کرد. درواقع تصمیم‌گیری‌ها درخصوص نگاه کشور به جهان بر پایه یک اصول ثابت طراحی و پیش‌بینی می‌شود که در این صورت نقش افراد، گروه‌ها یا جناح‌ها در تغییر یا انتخاب آنها کمرنگ و بسیار ناچیز است. اعتماد آنلاین نوشت، مهدی ذاکریان اظهار کرد: یعنی آنچه افراد و گروه‌ها در ایران ایفا می‌کنند نقش‌آفرینی در روش و سلیقه است و این‌طور نیست که بتوانند در اصول و مبانی سیاستگذاری خارجی تغییری ایجاد کنند. بنابراین از آغاز انقلاب اسلامی تا امروز در نوع نگاه کشور نسبت به مسائلی همچون فلسطین، آمریکا، مسائل منطقه، اروپا و حقوق بشر تغییری رخ نداده است. وی افزود: پس باید بپذیریم که رویکرد ما در قبال منطقه، روابط با همسایه‌ها، روابط با جهان اسلام، نوع نگاه به اتحادیه اروپا و حقوق بشر و همچنین نوع فعالیت در مسائل هسته‌ای با تغییر دولت‌ها حفظ خواهد شد. البته آن چیزی که رسیدن به اصول و مبانی را تسریع می‌کند روش‌ها، دیپلماسی‌ها و سیاست‌هایی است که با جابه‌جایی دولت‌ها ممکن است دچار نزول یا صعود شود، چون سلیقه‌هاست که کارآیی و کارآمدی خودش را نشان می‌دهد. این کارشناس سیاست خارجی بیان کرد: همه روش‌ها در این ۴۰ سال تجربه و آزمایش شده است. باید ببینیم کدام فعالیت، در کدام دوره‌ها به نفع کشور بوده و در نتیجه مردم در آرامش و آسایش بیشتری زندگی کرده‌اند؛ یعنی مطلوب بودن یا نبودن روش‌ها و سلیقه‌ها را در تاثیرشان بر زندگی مردم می‌توان سنجید. به عنوان مثال مردم ایران به‌طور ملموسی تجربه کرده‌اند که رفتارها و تصمیم‌گیری‌های رادیکال و تندروی‌ها نتوانسته است باعث حضور موثر بین‌المللی ایران در دنیا شود و شرایط مردم را مطلوب کند. به‌طوری که در یک دوره هشت‌ساله ایران نفت را به جای ۲۰ دلار با نرخ ۱۵۰ دلار می‌فروخت و انبوهی از پول به خزانه عمومی واریز شد. اما در آن برهه فشارها برای دستیابی اهداف ایران در مجامع بین‌المللی زیاد بود؛ چون سلیقه حاکم دولت وقت نه‌تنها دستیابی به سیاست‌ها را تسریع نمی‌کرد؛ بلکه موانع متعددی در مسیر آن قرار می‌داد. مثلا طرح مباحث غیرضروری مانند انکار هولوکاست و جهانِ بدون‌آمریکا که سبب‌ساز تنش و مشکل برای دستیابی به اصول سیاست خارجی ایران می‌شد. ذاکریان عنوان کرد: اما قبل از آن در دوره آقای خاتمی به میان آمدند. در این زمان مساله همکاری، بحث تنش‌زدایی و البته گفت‌وگوی تمدن‌ها و... موجب شد دستیابی به اصول سیاست خارجی آسان‌تر و ساده‌تر شود؛ آن هم در حالی که هم در هشت سال دولت‌داری اصلاح‌طلبان و هم در هشت سال دولت‌مهرورز، اصول سیاست‌ورزی ثابت بوده است؛ یعنی حمایت از آرمان فلسطین، مبارزه جدی با سلطه ایالات متحده آمریکا و تلاش برای غنی‌سازی بوده و با جابه‌جایی دولت در سال ۸۴ هیچ تغییری پیدا نکرده و فقط شیوه‌ها فرق کرده است. حالا در پاسخ به این پرسش که کدام یک برای کشور بهره بیشتری داشته باید بگویم مردم در تمام دوره‌های انتخابات با مشارکت حداکثری نشان داده و می‌دهند که با انتخاب خوشان گزینه مطلوب و مناسب را برمی‌گزینند.

دریـــچه

حسین کنعانی‌مقدم:

درصورت شکسته‌شدن آرا، رئیسی هم‌رای نمی‌آورد

یک فعال سیاسی اصولگرا، درخصوص کنار رفتن کاندیداهای اصولگرا به نفع رئیسی گفت: آرایش سیاسی‌ای که الان بین این ۷ نفر وجود دارد، قاعدتا پنج نفری که به جریان اصولگرایی و انقلابی منتسب هستند اگر یک دولت ائتلافی تشکیل ندهند و مسیر انتخاباتی که دنبال می‌کنند یک هدف و نامزد مشترک را انتخاب نکنند، آرا شکسته و انتخابات به دور دوم کشیده خواهد شد و همچنین رئیس‌جمهور آینده یک رئیس‌جمهور حداقلی خواهد بود که مطلوب هیچ‌کسی نیست. برنا نوشت، حسین کنعانی‌مقدم گفت: به نظرم پنج نامزدی که در شورای ائتلاف و شورای وحدت و پایداری و ایستادگی هستند باید با یک وحدت رویه جلو بروند و از فرصت رسانه‌ای برای تبلیغات و بیان مطالب‌شان استفاده کنند؛ ولی در نهایت به نفع یک نفر کنار بروند که آرا شکسته نشود. در غیر این صورت حتی رئیسی اگر به عنوان پیشرو این نامزدها قرار بگیرد با شکسته شدن آرا، او هم قطعا رای نخواهد آورد. وی در خصوص وعده‌های برخی کاندیداها خاطرنشان کرد: وعده‌هایی که داده می‌شود باید وعده‌هایی باشد که اسناد بالادستی آن را تایید می‌کند؛ یعنی با توجه به بودجه‌ای که سالیانه بسته می‌شود و مجلس تصویب می‌کند وعده‌ها باید در این چارچوب بوده و برنامه پنج ساله ششم بر اساس سیاست‌های ابلاغی، باشد. او ادامه داد: حالا اگر وعده‌ای داده شود که امکانات و مقدرات کشور قابلیت اجرای آن را نداشته باشد، قاعدتا باز به بی‌اعتمادی مردم، حاکمیت و نظام خواهد رسید و مطالبات کاذب را افزایش خواهد داد و قطعا اثر آن منفی خواهد بود؛ یعنی مشکلی که حل نمی‌کند، خود نیز یک مشکل می‌شود، مخصوصا در بحث یارانه‌ها که رقم‌های متفاوتی داده می‌شود. این فعال سیاسی اصولگرا عنوان کرد: قاضی‌زاده یک حرفی زده‌اند و زاکانی یک حرف دیگر، همه اینها باید در چارچوب برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت متناسب با اختیاراتی که رئیس‌جمهور دارد و مصوبات مجلس، مطرح شود. کنعانی‌مقدم در خصوص برخی از اظهارنظرها مبنی‌بر اینکه پرشوری انتخابات به انتخابات نادرست منجر می‌شود، عنوان کرد: من معتقدم انتخابات هیجانی ممکن است که باعث شود افرادی سرکار بیایند که نتوانند به آن مسئولیتی که دارند عمل کنند اما شور بدون‌شعور قطعا مخرب خواهد شد.